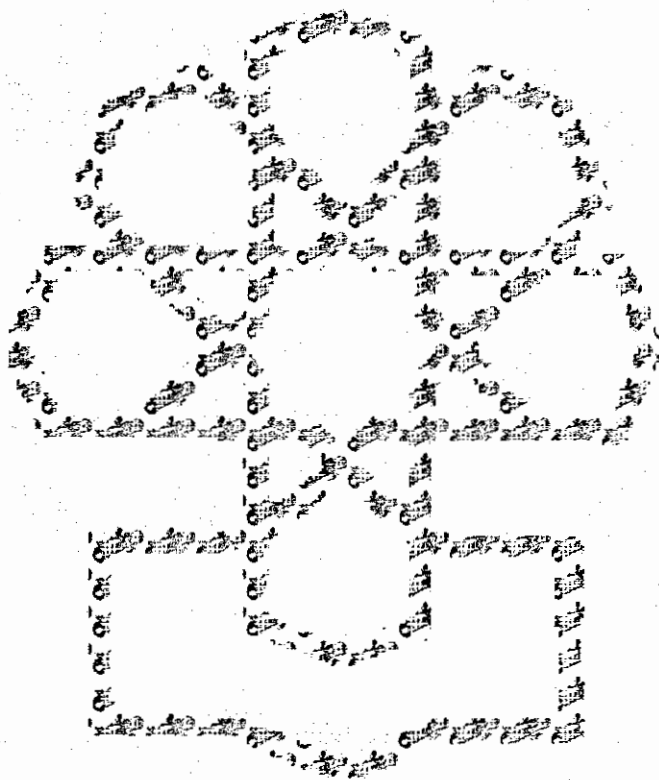


مروری بر چند بحث روز



کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی
دفتر امور زیربنایی

این مطالعه به تقاضای جناب آقای مهدوی نماینده
محترم مجلس شورای اسلامی انجام شده است.

معاونت پژوهشی
شهریور ۱۳۷۶

کد گزارش: ۴۰۰۲۷۲۳

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی
شماره: ۲۵۴۴
تاریخ: ۸ / ۷ / ۷۶

انما ولیکم الله ورسوله و الذین یقیمون الصلاة و یوتون الزکاة و هم را کعون^۱ خداوند ولی جامعه اسلامی است و مؤمنین جز خدا ولی و یاورى ندارند و او باید حاکم همه امور بشر باشد. این مسأله از مسلمانات قرآن است. قوانین زندگی انسانها و روابط فردی و اجتماعی جامعه بشر نیز باید از خدا الهام بگیرد. یعنی حاکم و فرمانروای قانونی در جامعه الهی، اسلامی، قرآنی و نظام اسلامی فقط خداست.

اما خداوند متعال که با مردم روبه رو نمی شود تا امور مردم را اداره کند و بر آنان امر و نهی نماید. لذا انسانی باید بر مردم حکومت کند و زمام امور جامعه را به دست گیرد. این انسان چه کسی می تواند باشد؟ پاسخ دین این است که «رسول» زمام امور و امر و نهی را از جانب پروردگار عالم به دست می گیرد. وقتی پیغمبر از دنیا رفت مؤمنان ولی مردم هستند اما کدام مؤمنان؟ آیه شریفه می فرماید: «آن کسانی که ایمان آوردند و نماز را اقامه می کنند و زکات می دهند در حالی که راکع هستند».

آیه اشاره به علی بن ابیطالب به عنوان ولی الهی دارد که می باید پس از رسول الله زمام امور مسلمین را به دست گیرد. یعنی امامان بنا به حکم قرآن و رسول و معصوم قبلی همگی منصوب خداوند هستند. قرآن کریم هر ولایتی غیر از ولایت خدا را به عنوان ولایت طاغوت معرفی می کند و می گوید هر کسی که تحت ولایت خدا نباشد تحت ولایت طاغوت است.

الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت^۲ با دلایل عقلی و نقلی لزوم برپایی جامعه اسلامی و قضاوت بین مردم، ادای حدود و امر به معروف و نهی از منکر پس از غیبت ائمه نیز استمرار می یابد. لذا می باید ولایت پیغمبر و ولایت امام نیز استمرار یابد، چرا که همه موظف به آنند که اطاعت از احکام الهی نموده و غیر از او احدی را رب و فرمانده خود نگیرند.^۳ قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکرک به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله.^۴

یکی از برکات امام راحل این است که اصل مسلم و بسیار محکم ولایت فقیه یعنی همان ولایت پیغمبر و ولایت ائمه را از کتب و مباحث فقهی به صحنه اجتماع آورد و جمهوری اسلامی را براساس ولایت فقیه تشکیل داد.

۱ سوره مائده، آیه ۵۵

۲ سوره بقره، آیه ۲۵۷

۳ سوره آل عمران، آیه ۶۳

۴ سوره بقره، آیه ۲۵۷

حکومتی که حاکم آن در حقیقت فقاہت و عدالت و به تعبیری قانون الهی است، آنچه فقیه انجام دهد اجرای قوانین الهی است، اگر قوانین در هنگام اجرا بدون تزامم قابل عمل باشند، مطابق آن فرمان خواهد داد. اما اگر اجرای قوانین به تزامم منجر شد، ولی فقیه برای حفظ نظام اسلامی بر انجام آنچه که اهم است دستور می دهد.

متأسفانه از زمان مشروطیت و تحت تأثیر فرهنگ غربی هجوم به حاکمیت دینی از سوی روشنفکران وابسته و یا متأثر از غرب شروع شد و به انحاء مختلف تلاش شد تا دین از صحنه سیاسی به عقب رانده شود. در این رهگذر مقاومت علمای اسلام در مقابل حاکمیت فرهنگ و حکومت غربی به استبداد تعبیر شد و به نام آن شیخ فضل الله نوری را بر سردار کردند.

امروز که پرچم اسلام به دست توانای رادمردی از سلاله رسول الله بر فراز این سرزمین افزاشته شده، دشمنان خدا و مردم هوشیارتر و دقیق تر از هر زمانی ستون فقرات و محور اصلی نظام یعنی ولایت فقیه را نشانه گرفته اند چرا که پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در ایران نشان داد که می توان بر اساس دین حکومت کرد و این پیام علی رغم مخالفت ها و توطئه های همه جانبه صادر شد. تمام تلاش استکبار و صهیونیسم برای ترسیم چهره های خشن و زشت از اسلام و جمهوری اسلامی به کار گرفته شد و تمام دسیسه ها برای سرنگونی این حکومت نوپا انجام شد ولی نه تنها جمهوری اسلامی با قدرتی هر چه تمام تر بر پا ایستاد و رشد نمود بلکه با گسترش پیام آن به دنیا، حرکتی شروع شد که با توجه به بالندگی نظری اسلام و افزایش روزافزون خود آگاهی در بین مسلمانان و در نهایت احساس عزت و وجدان هویت پس از سال ها تذلیل و تحقیر از یک سو و بن بست تفکر و تمدن غرب و از نفس افتادن فرهنگ غربی از سوی دیگر با سرعت به طوفانی بدل شد. امروز امریکا و صهیونیسم برای مهار این طوفان، ستون فقرات و عمود خیمه انقلاب را نشانه رفته اند.

۱- همنوایی با استکبار

جای تأسف است که افرادی به نام تبیین شریعت آب به همین آسیاب می ریزند و بدون اطلاع و تحلیل درستی از اسلام، دستاورد انقلاب فرانسه و بیانیه استقلال امریکا را به نام یافته های ناب از اسلام به خورد مردم می دهند.

«مردم از جانب خداوند حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش اند و احدی حق ندارد این حق الهی را از ایشان سلب نماید. مردم رهبر و مدیران جامعه را از میان حائزین شرایط انتخاب می کنند تا بر مبنای قانون اساسی سازگار با دین خدمات عمومی را در چارچوب یک معاهده یا عقد و کالت یا عقد شرکت یا عقد اجاره و مانند آن سامان دهند»^۱

این که مردم آزاد و از سوی خداوند حاکم بر سرنوشت خویش اند شکی نیست. ولی ظاهراً هدف نویسنده نفی ولایت الهی و جعل و کالت مردمی است. ایشان بیش از آن که متوجه قرآن و احادیث پیغمبر و ائمه باشند و در این حکم قطعی خداوند تدبیر کنند که «همه موظف اند که اطاعت از احکام الهی نموده و غیر از او احدی را رب و فرمانده خود نگیرند»^۲ متوقف در ثمره انقلاب امریکا شده و همان دستاورد را تنها با افزودن قید «سازگار با دین» به عنوان استنباط موشکافانه خویش از اسلام به جامعه ارائه می دهد:

۱. محسن کدیور، مقاله تأملی دیگر در وجه تمایز دو جریان اسلامی، رسالت، سه شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۷۶.
۲. سوره آل عمران، آیه ۶۳.

«همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و آفریننده جهان بدان‌ها حقوقی انتقال ناپذیر بخشوده که از آن جمله، زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی است و برای تأمین چنین حقوقی حکومت‌ها برقرار می‌شوند که قدرت مبتنی بر دادگری آنان از روحيات [و توافق] مردم سرچشمه می‌گیرد»^۱.

نویسنده محترم پس از بررسی آثار امام راحل به کشف جدیدی تأمل آمده که: «آرای امام در عصر جمهوری اسلامی پاسخ آرای گذشته ایشان است»^۲. همچنین با بیانی فیلسوف مابانه ادعا می‌کند که: «آیا اصولاً از مجموعه آثار حضرت امام می‌توان نظری منسجم استخراج کرد یا نه»^۳.

جالب توجه است که ایشان زحمت زیادی هم کشیده و پس از ده‌ها ساعت بحث با شاگردان فاضل امام که اکنون در مسند رفیع مرجعیت یا در مجلس خبرگان یا در شورای نگهبان به خدمت دینی مشغول‌اند نظریات خود را تکمیل کرده است.^۴

متأسفانه اطلاعات این نویسنده به آن حد نمی‌رسد که موضوع ولایت فقیه تنها مربوط به درس‌های امام در نجف نیست که با گذشت زمان و فرارگرفتن در رأس حکومت دچار تطور و تغییر شده باشد. حضرت امام مسأله ولایت فقیه را از اصول محکم اسلام استخراج کرده و به صحنه اجتماع آوردند و بر مبنای آن حکومت تشکیل دادند و در سال‌های آخر حیات بر ولایت مطلقه فقیه تأکید کردند. امام معتقد بودند که ولایت فقیه از آن اصولی است که تصورش موجب تصدیق آن خواهد شد.

نویسنده دیگری که ظاهراً از اولی‌کم اطلاع‌تر و در اظهار نظر بی‌باک‌تر است ولایت فقیه، مرجعیت و روحانیت را با هم هدف می‌گیرد و فارغ از ابتدایی‌ترین اطلاعات معرفتی و تاریخی چنین فتوا می‌دهد که: «اگر منظور ثنوری ولایت فقیه است که این خود یکی از فروع فقه است که معمولاً توسط فقها ذیل سرفصل ولایت صغار و محجوران به بحث گذاشته می‌شود»^۵.

«در خصوص منصوب مرجعیت تقلید در شیعه نیز باید متذکر شد که این موضوع جدیدی است که به سختی بیش از یک قرن و نیم سابقه دارد و قبل از آن چنین رابطه‌ای بین شیعیان و روحانیون برقرار نبوده است»^۶.

اگر نویسنده اطلاع ندارد که در زمان خود ائمه اطهار هم فقها به بلاد اسلامی گسیل شده و فتوا می‌دادند و امام معصوم روش و فتوای آنان را تأیید می‌فرمود و اگر اطلاعی از احادیث شریفی همچون: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیکم»^۷ ندارد حداقل شایسته است از جایگاه مراجع و بزرگانی همچون شیخ طوسی، شیخ انصاری، محقق کرکی و میرزای بزرگ شیرازی آگاه باشد و این چنین به تحریف تاریخ نپردازد.

امام بزرگوار ضمن تبیین مسأله ولایت فقیه، با آگاهی کامل از ناخشنودی روشنفکران غرب‌زده از تصویب چنین اصلی مترقی مشروعیت نظام را صرفاً منوط به تأیید ولی فقیه می‌دانند: «به حرف‌های آنهایی که برخلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می‌کنند و می‌خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند گوش ندهید. اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد».

۱. عبدالحادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با رودرویی تمدن بروژوازی غرب ص ۴۰.

۲. محسن کدبور - مقاله تأملی دیگر در وجوه تمایز دو جریان اسلامی، رسالت، سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۷۶.

۳. همان.

۴. همان.

۵. محسن سازگار، مقاله روحانیون و نقش تاریخی روشنفکران دینی، روزنامه ایران، ۱۳۷۶/۶/۱۰.

۶. همان.

۷. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۳، وسائل‌الشیعه، ج ۱۸، کتاب القضاء، باب ۱۱، از ابواب صفات قاضی، حدیث ۹.

طاغوت است. یا خدا یا طاغوت».

یا خداست یا طاغوت. اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است، وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است. اطاعت او اطاعت طاغوت است.^۱

«قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است».^۲

«این که در این قانون اساسی یک مطلبی ولو به نظر من قدری ناقص است و روحانیت بیشتر از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای این که خود دیگر خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند یک مقداری کوتاه آمدند. این که در قانون اساسی هست، این بعضی شئون ولایت فقیه است نه همه شئون ولایت فقیه».^۳

۲- جمع بندی این بحث

امام عظیم الشان می فرمودند: اگر شما دیدید که یک مطلبی شبیه به هم در همه جا باشد بدانید که دست دیگری در کار است و همین طور من باب اتفاق نشده است.

پس از این که برخی نویسندگان داخلی با ادبیاتی قوی و بیانی زیبا به نقادی مبانی اسلامی پرداخته و در تبیین آن سخت به بیراهه رفتند، یا دستگاه استکباری که هوشیارانه به دنبال هجومی فرهنگی به ستون فقرات انقلاب بود به نخستین آنان پرداخت. این عده به عنوان تنور یسین اسلامی و مدافع پیشتاز تفکر نو و با طراوت جوامع اسلامی تشخیص داده شدند.

آنچه از دیدگاه های فوق امریکا و صهیونیسم رابه وجود می آورد تشبیه ولایت مطلقه فقیه به دیکتاتوری و دعوت به دموکراسی غربی بود. در حالی که بازگشت ولایت فقیه عادل به ولایت فقاها و عدالت است، و شخص فقیه منهای شخصیت حقوقی خود هیچ سمتی ندارد، بلکه در تمام احکام همتای است، بوده و فاقد تمام مزایای مروهوم و امتیاز های متوهوم و برتری های متخیل بوده، هیچ تمیزی بین او و دیگران نخواهد بود.^۴ در حقیقت «همگان در برابر قانونی که فقیه جامع الشرايط امین آن محسوب می گردد مسئول اند، چنانچه قانون اساسی، رهبر را همانند مردم در برابر قانون مساوی دانسته است».^۵

برخی از نویسندگان برای این که میدانی جدید برای مخالفت با اصل ولایت فقیه پیدا کنند، اسم آن را پذیرفتند ولی با محتوای عقد وکالت و عقد شرکت و عقد اجاره به کلی آن را تحریف نمودند.

سخن در این است که چرا امروز با این گستردگی به ستون خیمه انقلاب حمله می شود؟ گذشته از مجاز دانستن بحث نظری، آیا امروز موضوعی ضروری تر از حمله به این عامل وحدت جامعه اسلامی نیست؟ آیا نویسندگان محترم غافلند که اگر سکان کشتی انقلاب در دست ولی فقیه عادل نبود وضعی بهتر از افغانستان نداشتیم پس چه شده که اینان هم صدا بر یک محور هجوم آورده اند و نشریات خاصی نیز به بهانه آزادی در این راستا می تازند.

هنوز چندسالی از رحلت زعیم عالی قدر شیعه و امام مسلمین نگذشته که اصلی ترین دستاورد ایشان را مورد هجوم قرار داده و در مقام نقد می گویند. به، مرحوم امام هم چنین نظری داشته اند.

۱. صحیفه نور، جلد ۹، ص ۲۵۳.
۲. صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۲۷.
۳. صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۱۳۳.
۴. آیت الله جوادی آملی، ولایت فقیه، مرکز نشر رجا.
۵. همان.

وضعیت اشتغال کشور به هیچ وجه راضی‌کننده و مطلوب نیست. به رغم سطح مشارکت اقتصادی بسیار پایین جمعیت که میزان آن در جمعیت ده سال به بالای کشور به بیش از ۳۵/۳ درصد نمی‌رسد و در بین زنان نیز از ۹/۱ درصد تجاوز نکرده است، ۹/۱ درصد از نیروی کار کشور بیکار مانده است. و نرخ این بیکاری در برخی از استان‌های جنگ‌زده کشور مثل کرمانشاه، خوزستان و ایلام و حتی برخی استان‌های عشایرنشین از آن جمله لرستان و کهگیلویه به مرز بسیار خطرناکی به ترتیب ۱۸/۵، ۱۶/۱، ۱۶/۵، ۱۸/۵ و ۱۴/۷ درصد رسیده است. در حالی که این شاخص در استان‌های پیشرفته و مبتنی بر صنعت نظیر اصفهان، یزد و تهران به ترتیب بیش از ۸۱/۰، ۵/۲ و ۶/۰ درصد نبوده است که این خود به معنای تشدید شکاف جغرافیایی اقتصادی کشور است که خواه ناخواه به جابه‌جایی‌ها و مهاجرت‌های نیروی کار بیشتری در سطح کشور منجر خواهد شد.

با این همه این مسائل لایه‌های ظاهری و سطحی مشکلات اشتغال کشور است. ابعاد واقعی بیکاری با توجه به مظاهر بسیار ناخوشایندی که از اشتغال‌های کاذب در جامعه دیده می‌شود بسیار بیشتر از این ظاهر آماری است و پیامدها و عواقب بد آن نیز عمیق‌تر و پرحاشیه‌تر از آن چیزهایی است که تصور می‌شود. چرا که حدود ۹۲۷ هزار یا ۶۴ درصد از کل جمعیت به ظاهر بیکار ۱/۴۵۵ میلیون نفری کشور را جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله تشکیل می‌دهند. جوانانی که غالباً به خانوارهای کم درآمد کشاورز، کارگران و کارکنان روزمزد و فاقد کسب و پیشه ثابت تعلق دارند و متأسفانه شمار دارندگان مدرک دیپلم و یا دانشگاهی در میان آنان کم نیست.

اما مسئله حساس و واهمه برانگیز این است که، کاهش نرخ بیکاری از ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۹/۱ درصد تماماً معلول شکل‌گیری ظرفیت‌های جدید شغلی و به عبارت دیگر رشد اقتصادی نبوده است، بلکه خروج گروهی از مهاجران افغانی و خالی شدن اشتغال‌هایی که در اشتغال آنان بوده، موجبات این کاهش را فراهم کرده است. رواج ساخت و سازهای ساختمانی نیز از دیگر عوامل تسریع‌کننده کاهش بیکاری بوده است. ولی باید در نظر داشت مشاغل و فرصت‌های شغلی ناشی از ساخت و سازهای ساختمانی، حالت دائمی و پایدار ندارند و مثل یک مزرعه یا یک کارخانه و یا یک بنگاه و بنیاد اداری و اجرایی نیستند. که مشاغل دائمی ایجاد کنند.

طبعاً این ساخت و سازها تحت تأثیر روند کند تولید و رشد بطنی تولیدات ملی و توان خریدی که روزبه‌روز بر اثر تورم در میان خانوارها تضعیف می‌شود، دیر یا زود دچار اختلال می‌شوند و از این رهگذر نیروی کار ساده و فاقد مهارت بیشتری به ورطه بیکاری سوق پیدا خواهند کرد.

منابع انسانی ایران گرچه به سرعت در حال تجهیز شدن به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش‌های تخصصی (دانشگاهی) اند و در سال ۱۳۷۵، حدود ۱/۴۰۳ میلیون یا ۹/۶ درصد از کل جمعیت شاغل ۱۴/۵۷۲ میلیون نفری کشور را دانش‌آموختگان عالی (دانشگاهی) تشکیل می‌داده‌اند.

اما به دلیل متناسب پا نگرفتن و رشد نکردن بخش‌های مدرن تولید و به خصوص فعالیت‌های مدرن صنعتی که در وادی سوزان مقررات و ضوابط خشک و غیراصولی مالی، پولی، اعتباری اجرایی گرفتار آمده‌اند، بسیاری از این منابع انسانی در حال تجهیز راه به بازار کار نمی‌برند* و یا مثل خیل نیروی کار با

* در سال ۱۳۷۵ حدود ۶۰ هزار نفر از دانش‌آموختگان عالی (دانشگاهی) و ۳۶۲ هزار از دیپلمه‌ها و آموزش‌دیدگان دوره متوسطه اعم از فنی و عمومی بیکار بوده‌اند.

تحصیلات دانشگاهی فعلی مجبور می‌شوند به خدمات دولتی پناه ببرند که آن‌هم با توجه به تنگنای بودجه‌ای دولت، کسری‌های متوالی بودجه‌ای از یک سو و تورم این بخش (دولتی) از نیروی کار غیرممکن است و تنها به فرصت‌هایی که بر اثر از کار افتادگی یا بازنشستگی به وجود می‌آید، می‌توان امید داشت و نه بیشتر.

همه این وقایع در شرایطی می‌رود شکل بگیرد که کشاورزی ایران نیز قادر نیست احتیاجات مادی و زیستی بخشی از کشاورزانی را که در تکه زمین کوچکی کار می‌کنند تأمین کند و از این رو کشاورزان و اعضای خانوار بهره‌برداران زراعی کم‌زمین ناچار می‌شوند علاوه بر کشت و کار، به کارهای دیگری از دامداری گرفته تا قالی‌بافی و حتی مزد و حقوق‌گیری در شهرها نیز متوسل شوند و با وجود این آن‌گونه که در عرصه‌های اجتماع می‌بینیم، گروهی از آنان با وجود این تلاش‌ها، از پیله فقر و محرومیت‌هایی نمی‌یابند. چون بازده بالای فعالیت‌های دلالی و مناسبات اقتصاد پنهانی ایران، دسترنج‌های آنان را می‌بلعد. در این برهوت سوزان بازار کار که قوانین، رویه‌ها، نظامات و فعل و انفعالات بر علیه جریان سرمایه‌گذاری‌های مولد است و همه نهادها و حتی تعدادی از نهادهای انقلابی را تبدیل به بساز و بفروش و کاسبکاران نوکیسه کرده است و نیروی کار حتی نیروی کار متخصص را مقهور و اسیر خود نموده، چاره کار را جز در انجام اصلاحات و رفم‌های اقتصادی و اتخاذ یک سیاست اجتماعی پیشرو و مترقی نمی‌توان جستجو کرد. باید تولید رشد کند تا طبقه کارگر و کارمند که در اصل سکاندار چرخ‌های تولیدی جامعه‌اند عملاً ترقی و بهبود سطح زندگی خود را حس و مشاهده کنند.

باید تولید رشد کند و سرمایه‌ها از بخش‌های دلالی، برج‌سازی‌ها و خدمات بی‌ثمر و زمین و سفته‌بازی‌ها به سمت فعالیت‌های بنیادی، صنعتی، احیا اراضی کشاورزی سوق یابد تا ضمن ایجاد فرصت‌های شغلی مؤثر و پایدار، هم امکان برداشت قسمت فزاینده‌ای از این تولیدات برای بازارهای صادراتی فراهم شود و هم توان تحمل هزینه‌های اجتماعی تازه‌ای در جلوگیری از فقر و اشاعه عدالت اجتماعی و از آن‌جمله حمایت از بیکاران، در جامعه ممکن گردد.

نرخ فعالیت برحسب جنس

درصد

زن	مرد	استان
۹/۶	۶۲/۳	مرکزی
۱۸/۶	۶۳/۷	گیلان
۱۰/۴	۶۱/۳	مازندران
۱۰/۳	۶۴/۸	آذربایجان شرقی
۸/۷	۶۶/۷	آذربایجان غربی
۸/۷	۶۱/۶	کرمانشاه
۵/۱	۵۸/۸	خوزستان
۹/۴	۵۹/۰	فارس
۹/۱	۵۷/۲	کرمان
۱۲/۱	۶۲/۴	خراسان
۱۰/۹	۶۱/۲	اصفهان
۴/۷	۵۴/۰	سیستان و بلوچستان
۸/۱	۶۵/۱	کردستان
۷/۱	۶۳/۸	همدان
۱۴/۷	۵۷/۶	چهارمحال
۶/۳	۵۸/۶	لرستان
۷/۷	۵۵/۱	ایلام
۷/۰	۵۴/۰	کهگیلویه
۴/۶	۵۶/۷	بوشهر
۶/۹	۶۳/۱	زنجان
۸/۱	۵۹/۹	سمنان
۱۶/۵	۶۰/۳	یزد
۴/۹	۵۴/۳	هرمزگان
۷/۲	۶۰/۰	تهران
۷/۸	۶۲/۱	اردبیل
۶/۴	۵۷/۰	قم

تحول اشتغال در بخش های اقتصادی - سال های ۱۴۰۰ - ۱۳۷۵

زن			مرد			مرد و زن			بخش های اقتصاد
افزایش	۱۳۷۵	۱۳۷۰	افزایش	۱۳۷۵	۱۳۷۰	افزایش	۱۳۷۵	۱۳۷۰	
۱۳۵	۲۹۴	۱۵۹	۱۷	۳۰۶۳	۳۰۴۶	۱۵۲	۳۳۵۷	۳۲۰۵	۱- کشاورزی
						۸۵۷	۲۴۷۳	۲۶۱۶	۲- صنایع
۰	۵	۵	۱۷	۱۱۵	۹۸	۱۹	۱۲۰	۱۰۱	معادن
۲۸۰	۵۸۳	۳۰۳	۲۵۸	۱۹۶۹	۱۷۱۱	۵۳۸	۲۵۵۲	۲۰۱۴	صنعت
۲	۵	۳	۱۹	۱۴۵	۱۲۶	۲۲	۱۵۱	۱۲۹	آب و برق و گاز
۸	۱۶	۸	۲۷۱	۱۶۳۵	۱۳۶۴	۲۷۸	۱۶۵۰	۱۳۷۲	ساختمان
						۷۷۵	۶۴۸۸	۵۷۱۳	۳- خدمات
۲۴	۴۱	۱۷	۶۶۴	۱۸۸۶	۱۲۲۲	۶۸۹	۱۹۲۷	۱۲۳۸	فروش و رستوران
۶	۱۷	۱۱	۲۰۴	۹۵۵	۷۵۱	۲۱۱	۹۷۳	۷۶۲	حمل و نقل و ارتباطات
۱۰	۲۶	۱۶	۹۷	۲۷۶	۱۷۹	۱۰۷	۳۰۲	۱۹۵	خدمات مالی، بیمه، ...
۱۱۷	۷۲۶	۶۰۹	-۳۵۲	۲۵۵۷	۲۹۰۹	-۲۳۲	۳۲۸۶	۳۵۱۸	خدمات عمومی - اجتماعی و شخصی
-۵۰	۵۲	۱۰۲	-۲۵۵	۲۰۵	۴۶۰	-۳۰۶	۲۵۷	۵۶۳	۴- نامشخص
۵۳۴	۱۷۶۵	۱۲۳۱	۹۴۱	۱۲۸۰۶	۱۱۸۶۵	۱۴۷۴	۱۴۵۷۲	۱۳۰۹۸	جمع

۶۳/۸ درصد از ظرفیت های شغلی به مردها و ۳۶/۲ درصد از ظرفیت های شغلی به زن ها تعلق گرفته است.

نرخ‌های فعالیت (دولتی) و نرخ بیکاری سال ۱۳۷۵

استان	جمعیت ۱۰ سال به بالا	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار	نرخ فعالیت (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)
مرکزی	۹۴۲۱۵۸	۳۳۸۳۵۵	۳۱۲۹۷۰	۲۵۳۸۵	۳۵/۹	۷/۵
گیلان	۱۷۸۲۴۵۷	۷۲۹۳۳۳	۶۳۱۵۲۰	۹۷۸۱۳	۴۰/۹	۱۳/۴
مازندران	۳۰۹۲۶۴۲	۱۱۰۱۱۳۳	۹۹۴۴۲۵	۱۰۶۷۰۸	۳۵/۶	۹/۷
آذربایجان شرقی	۲۵۸۴۵۹۵	۹۷۵۴۴۱	۹۱۹۴۴۶	۶۰۵۹۵	۳۷/۷	۶/۲
آذربایجان غربی	۱۸۴۶۴۸۷	۷۰۳۷۷۲	۶۳۷۶۱۸	۶۶۱۵۴	۳۸/۱	۹/۴
کرمانشاه	۱۳۲۷۲۴۸	۴۷۷۳۶۵	۳۸۹۰۰۰	۸۸۳۶۵	۳۶/۰	۱۸/۵ بخرانی
خوزستان	۲۶۸۲۲۳۸	۸۷۰۷۶۶	۷۳۰۱۴۹	۱۴۰۶۱۷	۳۲/۵	۱۶/۱ بخرانی
فارس	۲۸۷۴۰۳۹	۹۹۳۳۵۵	۸۹۰۹۷۷	۱۰۲۳۷۸	۳۴/۵	۱۰/۳
کرمان	۱۴۷۹۵۲۱	۴۹۵۶۹۷	۴۵۳۵۸۱	۴۲۱۱۶	۳۳/۵	۸/۵
خراسان	۴۴۷۲۸۰۴	۱۶۶۰۳۱۰	۱۵۴۵۳۴۳	۱۱۴۹۶۷	۳۷/۱	۶/۹
اصفهان	۳۰۷۳۶۳۰	۱۱۲۸۷۳۳	۱۰۳۸۵۵۳	۹۰۱۸۰	۳۶/۷	۸/۰
سیستان و بلوچستان	۱۱۶۰۲۹۹	۳۳۶۵۱۹	۳۱۵۳۴۶	۳۱۱۷۳	۲۹/۹	۹/۰
کردستان	۹۷۳۵۰۲	۳۵۹۶۸۴	۳۲۷۳۲۷	۳۲۳۵۷	۳۶/۹	۹/۰
همدان	۱۲۵۳۳۳۴	۴۴۶۶۵۱	۴۰۶۷۱۳	۳۹۹۳۸	۳۵/۶	۸/۹
چهارمحال بختیاری	۵۵۲۲۱۸	۲۰۰۳۹۱	۱۸۴۷۱۹	۱۵۶۷۲	۳۶/۳	۷/۸
لرستان	۱۱۵۰۶۳۸	۳۷۸۲۱۴	۳۰۸۳۱۵	۶۹۸۹۹	۳۲/۹	۱۸/۵ بخرانی
ایلام	۳۵۰۰۱۴	۱۱۱۵۶۷	۹۳۱۴۲	۱۸۴۲۵	۳۱/۹	۱۶/۵ بخرانی
کهگیلویه بویراحمد	۳۷۶۷۷۱	۱۱۵۲۹۵	۹۸۳۰۱	۱۶۹۶۴	۳۰/۶	۱۴/۷ بخرانی
بوشهر	۵۴۶۳۸۹	۱۶۹۱۹۰	۱۵۶۶۰۷	۱۲۵۸۳	۳۱/۰	۷/۴
زنجان	۷۶۴۲۸۸	۲۶۷۹۰۶	۲۵۰۴۲۱	۱۷۴۸۵	۳۵/۱	۶/۵
سمنان	۳۹۴۲۶۱	۱۳۷۵۶۰	۱۳۱۰۳۶	۶۵۲۴	۳۲/۹	۴/۷
یزد	۵۷۹۰۱۲	۲۲۶۱۲۸	۲۱۴۳۰۴	۱۱۸۲۴	۳۹/۱	۵/۲
هرمزگان	۷۵۰۴۳۰	۲۲۸۴۱۲	۲۰۹۰۰۲	۱۹۴۱۰	۳۰/۴	۸/۵
تهران	۸۸۹۵۹۸۶	۳۰۵۸۲۴۰	۲۸۷۳۷۳۹	۱۸۴۵۰۱	۳۴/۴	۶/۰
اردبیل	۸۵۸۰۵۰	۳۰۰۵۶۰	۲۶۸۸۵۹	۳۱۷۰۱	۳۵/۰	۱۰/۵
قم	۶۳۸۰۷۲	۲۰۶۶۴۶	۱۹۴۷۵۹	۱۱۸۸۷	۳۲/۴	۵/۸
ایران	۴۵۴۰۱۰۸۳	۱۶۳۰۲۷۲۲۳	۱۴۵۷۱۵۷۲	۱۴۵۵۶۵۱	۳۵/۳	۹/۱

تحول ساختاری اشتغال ۱۳۷۰ - ۱۳۷۵

زن		مرد		مرد و زن		بخش های اقتصادی جنس - سال
۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۷۰	
۱۶/۷	۱۲/۹	۲۳/۹	۲۵/۷	۲۳/۰	۲۴/۵	۱- کشاورزی
						۲- صنایع
۰/۳	۰/۴	۰/۹	۰/۸	۰/۸	۰/۸	معادن
۳۳/۰	۲۴/۶	۱۵/۴	۱۴/۴	۱۷/۵	۱۵/۴	صنعت
۰/۳	۰/۳	۱/۱	۱/۱	۱/۰	۱/۰	آب و برق و گاز
۰/۹	۰/۶	۱۲/۸	۱۱/۵	۱۱/۳	۱۰/۵	ساختمان
						۳- خدمات
۲/۳	۱/۴	۱۴/۷	۱۰/۳	۱۳/۲	۹/۵	فروش و رستوران
۱/۰	۰/۹	۷/۵	۶/۳	۶/۷	۵/۸	حمل و نقل و ارتباطات
۱/۵	۱/۳	۲/۲	۱/۵	۲/۱	۱/۵	خدمات مالی، بیمه اجتماعی
۴۱/۱	۴۹/۵	۲۰/۰	۲۴/۵	۲۲/۶	۲۶/۹	و خدمات عمومی
۲/۹	۸/۳	۱/۶	۳/۹	۱/۸	۴/۳	۴- نامشخص
۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	جمع

فرصت های جدید شغلی ایجاد شده سال های ۱۳۷۰ - ۱۳۷۵ به تفکیک بخش های اقتصادی

سهم زمان	توزیع درصد	تعداد فرصت ها (به هزار)	بخش های اقتصادی
۸۹	۱۰/۳	۱۵۲	۱- کشاورزی
			۲- صنایع
۰	۱/۳	۱۹	۲-۱- معادن
۵۲	۳۶/۵	۵۳۸	۲-۲- صنعت
۹	۱/۵	۲۲	۲-۳- آب و برق و گاز
۳	۱۸/۹	۲۷۸	۲-۴- ساختمان
			۳- خدمات
۳	۴۶/۷	۶۸۹	۳-۱- فروش و رستوران
۳	۱۴/۳	۲۱۱	۳-۲- حمل و نقل و ارتباطات
۹	۷/۳	۱۰۷	۳-۳- خدمات مالی، بیمه، بانکداری
۱۰۰	-۱۵/۷	-۲۳۲	۳-۴- خدمات عمومی اجتماعی و شخصی
-	-۲۰/۸	-۳۰۶	۴- نامشخص
۳۶	۱۰۰/۰	۱۴۷۴	جمع

جمعیت شاغل و بیکار بر حسب سواد و سطوح تحصیلی - ۱۳۷۵

سواد و سطوح تحصیلی		شاغل		بیکار	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۱۴۴۸۰۵۹	۷۸/۵۶	۱۱۹۸۲۵۴	۸۲/۳۲	جمع باسواد	
۶۱۶۸۱۸	۴/۲۳	۳۷۷۸۰	۲/۶۰	سودآموزی	
۳۷۳۳۱۷۹	۲۵/۶۲	۳۵۲۴۹۶	۲۴/۲۲	ابتدایی	
۲۶۵۷۸۲۵	۱۸/۳۴	۳۶۲۰۲۱	۲۴/۸۷	راهنمایی	
۲۶۲۷۱۰۲	۱۸/۰۳	۳۶۱۸۸۳	۲۴/۸۶	متوسطه	
۱۰۱۳	۰/۰۱	۱۳۵۴	۰/۰۹	پیش دانشگاهی	
۱۴۰۲۶۱۷	۹/۳۶	۵۸۱۴۵	۳/۹۹	عالی	
۲۹۶۳۲	۰/۲۰	۱۱۳۰	۰/۰۸	حوزه علمیه و علوم دینی	
۳۲۲۳۲۶	۲/۲۱	۱۸۵۸۲	۱/۲۸	تحصیلات غیر رسمی	
۵۷۵۴۵	۰/۳۹	۴۸۶۳	۰/۳۳	نامشخص و اظهار شده	
۳۱۲۳۵۱۳	۲۱/۴۴	۲۵۷۳۹۷	۱۷/۶۸	بی سواد	
۱۴۵۷۱۵۷۲	۱۰۰/۰۰۰	۱۴۵۵۶۵۱	۱۰۰/۰۰۰	جمع	

۳- خودگردانی بیمارستان‌ها و بیمه خدمات درمانی

سابقه موضوع

در برنامه پنج ساله دوم قرار شد که به تدریج کلیه اقشار مردم تحت پوشش بیمه خدمات درمانی در آیند. در بودجه سال ۱۳۷۴ هم با توجه به این مسئله بودجه‌ای جهت درمان دیده نشد و اعتبارات لازم جهت بیمه همگانی منظور شد. بدین ترتیب بودجه ۱۲۳/۵ میلیارد تومانی درمان در آن سال حذف گردید و کل این مبلغ باید توسط مردم یا بیمه پرداخت می‌گردید. به هر حال از اول سال ۱۳۷۴ بیمارستان‌ها خودگردان اعلام گردیدند و کل مبلغ درمان را از مردم دریافت می‌نمودند که این موضوع باعث نارضایتی عمومی گردید و سرانجام در ابتدای مرداد ماه ۱۳۷۴ این طرح توسط وزیر بهداشت و درمان وقت ملغی اعلام گردید. به هر حال این طرح تاکنون نیز به اجرا درنیامده است و طبق پیش‌بینی قبلی قرار بر این بوده که از بعد از اجرای کامل طرح بیمه همگانی خدمات درمانی به اجرا درآید.

در این قسمت ابتدا مروری خواهیم داشت به نظرات موافقان و مخالفان طرح خودگردانی و سپس به صورت فشرده مشکلات و معضلاتی را که در رابطه با اجرای طرح بیمه همگانی وجود دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- نظرات موافقان طرح خودگردانی

موافقان اجرای این طرح که بیشتر طیف مسئولان معاونت دارو و درمان (سابق) وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی می‌باشند معتقدند که به هر حال دیر یا زود این مسئله باید صورت پذیرد.

امر خودگردانی باعث شکوفایی کار بیمارستان می‌گردد و باعث می‌شود که انگیزه در پرسنل بیمارستان اعم از پزشک و پرستار و ... ایجاد شود و خود به خود باعث پیشرفت و شکوفایی در امر درمان می‌گردد. مضافاً بر این که این مسئله، امر تازه‌ای نیست و شورای انقلاب در مصوبه‌ای در مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۲ طرح خودکفایی بیمارستان‌ها را به تصویب رسانده است.

همچنین این اعتقاد وجود دارد که اگر مسئله درآمدزایی وجود داشته باشد خود به خود باعث می‌شود که در امور بیمارستان‌ها نظم و حساب و کتابی ایجاد شود و در نهایت پس از برقراری بیمه و بیمه شدن اقشار مردم فشاری هم به مردم ایجاد نمی‌شود.

۲-۳- نظرات مخالفان طرح خودگردانی

مخالفان این طرح اهم دلایل خود را این گونه بیان می‌نمایند:

۱- طبق اصل ۲۹ قانون اساسی دولت مکلف است، شرایطی را به وجود آورد که خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی چه به صورت بیمه یا هر صورت دیگر برای تمام افراد کشور تأمین می‌گردد.

۲- بیمارستان‌های ما همگی آموزشی هستند و آموزش دانشجویان در بیمارستان هزینه‌هایی دارد که مقداری از آن مثل وسایل مصرفی که در اثر بی‌تجربگی از بین می‌روند یا ویزیت‌های متعدد مریض متوجه بیمار شده و این اجحاف به بیماران می‌باشد.

۳- این طرح باعث می‌شود که در اثر عدم مراجعه بیماران از ترس هزینه کمر شکن درمان، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی با حداکثر توان کار نکنند و گاهی از اوقات بیش از نیمی از تخت‌های بیمارستان‌ها خالی باشد.

۴- بیماران سرطانی، دیالیزی و ... را هیچ بیمه‌گری بیمه نمی‌نماید.

۵- حجم سرمایه‌گذاری دولتی در بخش بهداشت، درمان و آموزش و پزشکی علی‌رغم فزونی سال‌های گذشته هنوز حدود ۲ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد (آمار سال ۱۳۷۴) و این در حالی است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته این رقم از ۵ درصد تولید ناخالص ملی بالاتر می‌باشد.

۳-۳- مشکلات اجرای طرح بیمه همگانی

اهم این مشکلات به طور فشرده عبارت‌اند از:

۱-۳-۳- اقتصاد بیمه

ابتدایی‌ترین مسئله در خصوص بیمه، اقتصادی بودن آن است که اگر بیمه سودآور نبوده یا حداقل دخل و خرجش برابر نباشد منجر به ورشکستگی بیمه‌گر می‌شود. در کشور ما به دلایل زیر بیمه خدمات درمانی اقتصادی نیست:

الف- بعد از تصویب قانون بیمه همگانی، عموماً افرادی که یقین به استفاده از دفترچه بیمه دارند اقدام به بیمه شدن می‌کنند. به عبارت دیگر درصد ریسک بیمه‌گر در بیمه صد درصد بوده و باید چند برابر آنچه که دریافت نموده را هزینه نماید.

ب- بیمه همگانی اجباری نیست و در واقع با تعاون افراد سالم جامعه است که اشخاصی که دچار مشکل و بیماری می‌شوند می‌توانند از این مشارکت عمومی استفاده کرده و از کمک سایر اقشار جامعه برخوردار

شوند.

ج- عملکرد نامناسب بیمه در گذشته و سلب اعتماد مردم و حتی پزشکان و داروخانه‌ها و سایر مراکز مربوطه از آن یکی دیگر از علل عدم مراجعه و اقبال عمومی از مسئله بیمه می‌باشد.

۳-۳-۲- فرهنگ بیمه

یکی از مسائلی که زمینه‌ساز اصلی اقتصادی شدن مسئله بیمه در یک جامعه می‌باشد فرهنگ بیمه و یا در حقیقت جایگاه بیمه در میان مردم می‌باشد. در جامعه ما به دلایل عمده زیر متأسفانه بیمه جایگاه خویش را پیدا ننموده است.

الف- مردم آشنایی کافی با بیمه ندارند و شاید یکی از دلایل عمده این مسئله تبلیغات ناکافی و کم در این رابطه است و هرچند صدا و سیما حرکتی را در این راستا انجام داده اما کافی نمی‌باشد.

ب- از آنجا که قانون بیمه خدمات درمانی با سرعت زیادی تصویب شد و به همین دلیل مدیران و متصدیان امر هم اشراف کامل به تمام زوایای این قانون پیدا ننموده‌اند، لازم است دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای مدیران برگزار شود.

۳-۳-۳- نبود سیستم ارجاع بیمار

در کشورهای دیگر که مسئله بیمه را در کشور خود حل نموده‌اند، وجود سیستم ارجاع، صرفه‌جویی زیادی در هزینه‌های ملی ایجاد نموده است. در این سیستم بیمار از طریق قرار گرفتن در کانال درمانی و ادامه امر درمان تحت نظر بیمه، به پزشک‌های خاصی معرفی شده و با صرف وقت کمتر و جلوگیری از مراجعات بی‌مورد نتیجه بهتر و سریع‌تری در امر درمان صورت می‌پذیرد.

۳-۳-۴- تعرفه‌ها

از آنجا که دولت معمولاً بودجه مشخصی را که رشد قابل توجهی در سال ندارد به مسئله بیمه تخصیص می‌دهد، تعرفه‌های خدمات درمانی بالاچار ثابت خواهد ماند و یا با رشدی که متناسب با تورم اقتصادی نیست اضافه می‌گردد. بنابراین لازم است دولت به موازات روشن نمودن وضعیت درمان اقساط آسیب‌پذیر جامعه به واقعی نمودن تعرفه‌های درمانی بپردازد تا بدین واسطه انگیزه برای همکاری با سازمان خدمات درمانی در بین پزشکان و مراکز پزشکی غیردولتی نیز ایجاد گردد.

۳-۳-۵- بیمه اقساط آسیب‌پذیر

در قانون بیمه همگانی مقرر شده که افراد ناتوان به هنگام بیماری تحت پوشش کمیته امداد امام (ره) قرار گیرند و ظاهراً مبالغی در بودجه برای این امر مهم تخصیص یافته است، اما کمیته امداد تنها بیماران مستمند را با در اختیار گذاشتن حق بیمه‌شان بیمه کرده و فشار بر دوش بیمه خدمات درمانی می‌افتد که در بودجه مبلغ کافی برای این مسئله دیده نشده است.

۳-۳-۶- بیمه روستاییان

در قانون، سازمان خدمات درمانی موظف گردیده که ظرف مدت پنج سال قانون بیمه همگانی را اجرا نماید و در این مدت به تدریج اقساط مردم را بیمه نماید. متأسفانه به هنگام اجرا هیچ‌گونه اولویت‌بندی در نظر گرفته نشد و سازمان بیمه خدمات درمانی هیچ برنامه‌ای برای بیمه تدریجی اقساط مختلف اعلام ننمود. در خصوص بیمه روستاییان نیز اقدامات انجام شده کافی نبوده و با استقبال کافی از سوی جامعه روستایی مواجه نشد.

در قانون بیمه فعلی وضعیت بیماری‌های پرهزینه روشن نیست و برخی بیماری‌های پرهزینه و جراحی‌های سنگین در قانون بیمه بلا تکلیف بوده و اصولاً سهم بیمه شده و بیمه‌گر تعریف نشده است. همچنین وضعیت پناهنده‌ها هم در قانون مشخص نیست و این مسئله به صورت معضلی درآمده است که جا دارد با توجه به خط مشی سیاسی کشور و سیاست‌های انسان دوستانه وضعیت این قشر نیز هرچه سریع‌تر مشخص گردد.

۴- لزوم بررسی موانع سرمایه‌گذاری داخلی

پایین بودن نسبت پس‌انداز داخلی به تشکیل سرمایه ثابت و کاهش خالص قدرت جذب در اقتصاد کشور، دو مشکل مهم در اقتصاد ایران و موانع اصلی در راه سرمایه‌گذاری داخلی محسوب می‌شوند. مشکلاتی که وجود آنها نشان‌دهنده ناکارآمدی یا عدم افزایش روند کارایی جریان تجهیز منابع در اقتصاد کشور است. افزایش کارآمدی تجهیز منابع پس‌اندازی موجود در اقتصاد ملی، پیش از هر چیز در گرو شناخت تنگناها و کاستی‌های موجود در شبکه سازمانی، تجهیزاتی، تنظیمی و مقرراتی است و در گام بعدی، به کارگیری ابزارها و سازکارهایی به منظور افزایش انگیزه برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تشویق انتقال منابع فعال در بخش غیررسمی به بخش رسمی یا مصارف مولد اقتصاد ملی اهمیت می‌یابد.

به منظور برداشتن موانع سرمایه‌گذاری داخلی در کشور، تدوین راهبردهایی برای رفع آنها، ضروری است. در این راستا توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱- تأکید هر چه بیشتر بر حفظ ثبات در رویه‌ها و سیاست‌های اقتصادی.

متأسفانه تعدد و تنوع دستورات و دستورالعمل‌ها و از همه مهم‌تر امواج تغییرات در گام‌های اجرایی و از سوی دیگر فقدان نیروهای کارآمدی که قدرت جذب و اطمینان در سرمایه داشته باشند، منجر به فرار سرمایه از کارکرد سالم در اقتصاد گردیده و زمینه دلالتی و فرصت‌طلبی و سوءاستفاده از خلل‌های قانونی و ضعف‌های اجرایی در جهت کسب ثروت‌های بادآورده گردیده است.

۲- بایستی موانع تجهیز منابع پس‌اندازی به جانب سرمایه‌گذاری، از قبیل موانع ساختاری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در کشور، موانع کار، سرمایه‌گذاران نهادی مورد شناسایی قرار گیرد و نسبت به رفع آنها اقدام گردد. در این جهت لازم است راه‌های افزایش حجم پس‌انداز، روان کردن و افزایش سرمایه‌گذاری، اصلاح ساخت سازمانی نهادهای سرمایه‌گذاری و به کارگیری ابزارهای مالی مورد توجه قرار بگیرد.